

ادراک متفاوت گروه‌های سنی از نشانه‌های معنایی و بصری مؤثر بر هویت محیطی (مطالعه موردنی: محله فهادان یزد)^۱

سیده آریتا مجذزاده^{*}، رضا میرزا^{**}، سید مهدی مداحی^{***}، محمدرضا مبهوت^{****}، احمد حیدری^{*****}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۶

چکیده

هویت در سیمای محیط‌های مصنوع همواره برگرفته از مؤلفه‌های انسانی و علوم رفتاری است که این هویت در محله‌هایی که دارای قدمت و بافت تاریخی، به علت کاربرد متعدد نشانه‌های معنایی و هویتی مناسب به فرهنگ دارای ارزش بیشتری هستند که در گروه‌های مختلف سنی با بکار گیری نشانه‌ها می‌تواند نمود دیگری از نظر آن‌ها داشته باشد. لذا در این پژوهش سعی شده است باهدف بررسی تأثیر نشانه‌های بصری و معنایی که منجر به هویتمندی بافت قدیم شهری بر ادراک متفاوت سه گروه سنی جوان، میان‌سال و کهن‌سال می‌شوند، به شناسایی این عوامل از دیدگاه خبرگان و کاربران فضایی پردازد. روش تحقیق ترکیبی از نوع کیفی-کمی است که در قسمت استخراج متغیرها از مصاحبه نیمه ساختاریافته با تکنیک کدگذاری و تقلیل داده‌ها در نرم‌افزار ATLAS.TI استفاده می‌شود و در بخش کمی از نرم‌افزار JMP برای تحلیل آمار استنباطی و همبستگی گروه‌های سنی و ترسیم بازاش منحنی استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های سنی ۶۰-۴۰ و ۴۰-۲۰ تقریباً توجه به نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا برابر است که ضریب همبستگی ۶۰-۴۰ و ۴۰-۲۰ کمی از این امر است. به طور کلی می‌توان این‌گونه بیان نمود که برای طراحی نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا گروه‌های سنی ۶۰-۴۰ و ۴۰-۲۰ سال به یک صورت فکر می‌کنند و می‌توان از نتایج یک گروه برای تبیین رفتار گروه دیگر استفاده نمود، اما این امر در گروه سنی ۶۰-۴۰ تا ۸۰ سال وجود ندارد و نیاز است قبل از طراحی محیطی با این خصوصیات، نظرات این گروه سنی جدا موردنرسی قرار گیرد؛ اما با توجه به نمودارها مشخص می‌شود که نشانه‌های ادراکی و بصری در گروه‌های سنی ۶۰-۴۰ و ۴۰-۲۰ دارای همبستگی بیشتری هستند به نظر می‌رسد نوع نگاه گروه‌های سنی ۶۰-۴۰ در امتیازدهی به نشانه‌ها دارای تفاوت بوده و با گذر زمان این تفاوت بیشتر هم می‌شود این امر با توجه به ضرایب تعیین به دست آمده این امر را تائید می‌کند که باید در طراحی‌ها مبتنی بر نشانه‌های ادراکی و بصری به این امر توجه ویژه‌ای نمود. درنتیجه گیری این پژوهش، محله فهادان به عنوان یک بافت غنی با داشتن نشانه‌های بصری و ادراکی گوناگون، ابتدا از جنبه‌های مختلف مورد استخراج و سپس ارزیابی قرار می‌گیرند. نشانه‌های استخراج شده در ابعاد فضایی، کالبدی، عرفانی، اقلیمی و اجتماعی قابل دسته‌بندی هستند.

واژگان کلیدی

ادراک گروه‌های سنی، هویت محیطی، نشانه‌های بصری، نشانه‌های معنایی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناسختی در نظام بصری محیط با هدف هویت‌بخشی به کالبد شهر (نمونه مورد مطالعه: محله فهادان یزد)» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم و پنجم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند است.

azita.majdzadeh@gmail.com

mirzaeireza@iaubir.ac.ir

sm.madahi@gmail.com

r.mabhoot@profs.khi.ac.ir

ahmad.heidari@iaubir.ac.ir

* دانشجوی دکتری گروه هنر و معماری، واحد بیرجند؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ بیرجند؛ ایران.

** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

**** استادیار گروه هنر و معماری، و شهرسازی، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران.

***** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

مقدمه

موضوع ادراک محیطی به وسیله نشانه‌های ادراکی و بصری در جهت هویتمندی بافت‌های شهری یکی از موضوعات روز دنیا برای حفظ الگوهای بومی در محلات دارای ارزش در هر کشور است این نشانه‌ها باعث جلب رضایت کاربران فضایی و ترغیب حضور این افراد در محیط است. (لاری پور و دادر، ۱۳۹۸: ۷۲) مطالعات محیطی در منظر و تشخیص هویت بخشی و ساماندهی در محلات شهری به گونه‌ای است که می‌تواند تأثیرگذاری در خوانایی مطلوب را با شناخت معانی و نشانه‌ها مهیا نماید؛ اما این نشانه‌ها در گروه‌های سنی متفاوت دارای تأثیر متفاوتی برای گروه‌های سنی است. متأسفانه شهرسازی امروز ایران، پیش از آن که به عوامل محتواهی معطوف شود در ظاهری کالبدی خلاصه می‌شود؛ شهرهای امروزی شامل کالبدهایی هستند که نمی‌توان برای آن‌ها مفهومی در نظر گرفت و در آن‌ها یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضای معنای آن و ادراک محیط در کنار عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا هویدادست. (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹: ۵۰)

انسان ذاتاً موجودی معناساز است و معنا را از طریق تولید و تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد. «پیرس» می‌گوید: «هیچ چیز نشانه نیست مگر این که به عنوان نشانه تفسیرش کنیم». پایه و اساس نشانه – معناشناسی نوین در «مکتب پاریس» و بر مبنای نظریات «گریماس» گذاشته شده است. (ظهوریان، ۱۳۹۵: ۲) نشانه‌های شهری عناصر و اجزایی از محیط‌های شهری هستند که به عنوان نقاط کالبدی در این محیط‌ها موجب خاطره‌انگیزی و خوانایی شهرها و هویت‌بندی قسمت‌های مختلف آن می‌گردند. برای تثبیت هویت و فرهنگ غنی، نیاز است عناصر شهری علاوه بر خوانایی دارای معنی و مفهوم مرتبط با فرهنگ ساکنین آن شهر باشند. (ایزدپناهی، ۱۳۹۵: ۴۰) در ساختار هر شهر، نشانه‌شناسی برای تحلیل هویت شهر بسیار قابل توجه است. (نصر، ۱۳۹۶: ۱۸۹) کنش و خواست انسانی معنا را به نشانه سازد و نشانه را به یک عنصر تجربه شده تبدیل می‌نماید. نشانه بر انسان تأثیر متقابل گذارد و به واسطه معنای خود به ارزش‌ها و مفاهیم انسان خط می‌دهند. به همین دلیل هویت نشانه معطوف به هویت شخصی بوده و در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت، هویت بازتابی از وجود اجتماعی و فرهنگی نشانه شهری است. (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹: ۵۰) در واقع آنچه یک شهر را پویا و جذاب ساخته و سبب ایجاد رضایت در بین شهروندان می‌شود. تاریخ، فرهنگ غنی، زیبایی و کیفیت بصری فضای شهری است که نمود ویرژه آن در المان و نشانه‌های در ساختار هر شهر، نشانه‌شناسی برای تحلیل هویت شهر بسیار قابل توجه است. (نصر، ۱۳۹۶: ۱۸۹)

اما این نشانه‌ها و ابعاد معنایی محیط ساز به علت تغییر محیط به مرور زمان در گروه‌های سنی دارای تفاوت است؛ که می‌تواند منجر به تعابیر مختلفی نزد اشخاص با گروه‌های سنی مختلف گردد. با توجه به مشاهدات عینی از فضای به نظر می‌رسد که در گروه‌های سنی مختلف بین ۴۰-۴۰، ۲۰-۴۰ و ۶۰-۸۰ از لحاظ ادراکی در شاخص‌های معنایی دارای تفاوت‌های اساسی است. هدف از این تحقیق بررسی شاخص‌های معنایی و هویتی در سه گروه سنی است و سعی دارد متوجه شود که کدام‌یک از گروه‌های سنی دارای همبستگی بیشتری باهم هستند؟ تغییر امری مختص است لیکن در کنار تداوم و استمرار می‌تواند به هویتی پایدار بینجامد. در این راستا، به کمک بررسی عناصر و نشانه‌های تشکیل‌دهنده بافت‌های تاریخی و معنا بخشیدن باهدف حفظ و تداوم حضور این عناصر در بافت می‌توان تمهیداتی اندیشید که محیط پاسخگوی نیازهای زمانه خود بوده و در عین حال تداوم و پیوستگی با شکل و فضای تاریخی باشد. بدین معنی که معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید این پیوستگی و استمرار زمان را در مکان به شکل معنادار و محسوس ایجاد نمایند تا هویت بافت‌های بازرس تاریخی در شهرهای ایرانی – اسلامی تقویت گردد. این مهم بسیار ضروری است که محله‌ای با قدمت فهادان یزد که دارای بافتی سنتی – تاریخی است، عناصر هویتی آن حفظ گرددیه و سینه به سینه به آیندگان منتقل شود؛ این میسر نیست مگر با ایجاد زمینه و تکیه بر انگاره‌های معماری ایرانی موجود در این بافت و ساماندهی آنان ضمن درگیر نمودن ذهن مخاطب در معنا بخشی به این عناصر با استفاده از ادراک ذهنی افراد در پی بردن به هویت و اصالت محله و ایجاد حس تعلق به مکان از سوی شهروندان و گردشگران مهیا گردد.

مبانی نظری نشانه‌شناسی

شاخص‌های از دانش بشر که به نشانه‌ها و چگونگی کاربرد آن‌ها برای ارتباط میان انسان‌ها و چگونگی تولید معنی و انتقال معنا در جامعه می‌پردازد، نشانه‌شناسی نامیده می‌شود. درواقع نشانه‌شناسی یک علم چند رشته‌ای است که یک هدف عام مشترک، یعنی درک بهتر رفتار معنادار انسان، به آن وحدت می‌بخشد (Stedman and Beckley, 2004: 19). هر نشانه به یک واحد اطلاعات اشاره می‌کند که پیکربندی آن‌ها در کنار یکدیگر دارای معنا است. الگوهای اولیه که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان‌شناس سویسی «فردینان دو سوسور» و فیلسوف آمریکایی «چارلز سندرز پیرس» است. (ماجدی و سعیده زرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۱) واژه «نشانه‌شناسی» از ریشه یونانی است که در قلمرو

«نشانه» و «معنا» قرار دارد. (امیری خوشکار وندانی، ۱۳۹۵: ۴۲۵) ظهور نشانه‌شناسی به عنوان رشته‌ای علمی را مدیون «چارلز سندرز پیرس» (۱۸۳۹ - ۱۹۱۴) هستیم؛ از نظر وی نشانه‌شناسی، چارچوبی ارجاعی است که هر مطالعه دیگر را در بر می‌گیرد. تقریباً همزمان با پیرس، سوسور (۱۸۵۷ - ۱۹۱۳) نیز نشانه‌شناسی را مطرح نمود. وی زبان را نظامی از نشانه‌های می‌دانست که بیانگر اندیشه‌ها است (قشقاوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). تشخض کالبدی یک نشانه می‌تواند برگرفته از دو دسته متغیر باشد که عبارت‌اند از (Caduff and Timpf, 2008: 251): ۱/ ویژگی‌های کالبدی خود نشانه، یعنی متغیرهایی که متعلق به خود عنصر نشانه ای و جزئی از عناصر وجودی آن است؛ ۲/ ویژگی‌های نقش زمینه‌ای نشانه که معطوف به نوع ارتباط عنصر یا زمینه و بافت پیرامون است. ویژگی دوم شامل نمایانی و نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور است. کیفیتی است که حاصل فواصل و زوایای دید به نشانه شهری است که اساساً جزئی از منظر شهری بوده و مرتبط با سکانس‌های بصری و حرکتی تعريف می‌شود (محمدحسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶).

تمایز عملکردی یک عنصر نشانه ای نشات گرفته از سه نوع اهمیت است (Van Lenthe, 2016: 765). نخست: اهمیت صرفاً کارکردی (معطوف به نوع استفاده و شدت آن)؛ دوم: اهمیت عملکردی (معطوف به بعد زمانی استفاده) و سوم: اهمیتی که در اثر نوع استفاده کنندگان که در یک عنصر هنری ایجاد می‌گردد و منجر به نشانه شدن آن عنصر می‌گردد. این چند ویژگی از مؤلفه‌های سه‌گانه آغاز گردیده و به متغیرهای ریزتر می‌رسند.

جدول ۱- مؤلفه‌های کالبدی و معنایی نشانه شهری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراکی محیط و علل تداوم پذیری یا تنوع پذیری ادراکی محیط

نشانه‌شناسی	
معنایی	کالبدی
ویژگی	
تداعی‌گر و ادراکی	ماهیوی و زمینه‌ای
علل تداوم پذیری یا تنوع پذیری ادراکی محیط	عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراکی محیط
خلق یا بازآفرینی تصویر ذهنی مشترک عامل تداوم پذیری معنای محیط	تابع شرایط اجتماعی، فردی، فرهنگی و فیزیکی
گروه‌های اجتماعی، حرفه‌ای، نسبی، جنسی / کثرت و تنوع نمادها عامل تنوع پذیری معنای مشترک در محیط‌های تاریخی.	زمینه‌های فرهنگی / سنت‌ها، تعاملات اجتماعی، شرایط ادراکی، زمان / ابعاد تداعی کنندگی محیط
تفاوت‌های زمانی.	تجربیات، تفاوت‌های ادراکی افراد
تفاوت‌های فرهنگی عامل تنوع پذیری معنای.	تفاوت‌های ادراکی
قابلیت‌های متفاوت انسانی نظیر سن، سطح توانایی فیزیکی، قومیت و جنسیت عامل تنوع پذیری معنای.	سازمان‌دهی ذهنی اشارات محیطی
نمادینه‌سازی محیط عامل تداوم پذیری معنای / تداوم ارزش‌ها عامل تنوع پذیری معنای.	خاطره، حس هویت، رویکرد پدیدار‌شناسانه به چیزها، ابعاد تداعی کنندگی محیط
تغییر نگرش افراد عامل تنوع پذیری معنای.	تجربیات، ذهنیات، فضای ادراکی
طبقه‌بندی اجتماعی عامل تنوع معنای.	تابع فرهنگ، علاقه و نقطه نظرات مختلف مردم
سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان آشنازی قبلی با محیط عامل.	تفاوت‌های ادراکی افراد
تنوع پذیری معنای.	هويت (سازمان‌دهی کالبدی، سرزندگی، ارزش تاریخی)
-	

اپلیارد (۱۹۷۰) کاراکترهایی که یک عنصر شهری را در ذهن مردم به یادماندنی و نشانه‌ای می‌کند را تمایز فرم، نمایانی (رویت‌پذیری) و برخورداری از اهمیت نمادین و عملکردی آن می‌شمارد. از میان این عوامل حداقل تمایز فرم و نمایانی را می‌توان در حوزه کالبدی نشانه‌ها دسته‌بندی نمود (Appleyard, 2002: 79) عوامل تأثیرگذار بر تمایز فرم عبارت‌اند از: اندازه، شکل، رنگ، مصالح، سبک ساخت و مبلمان بیرونی. همچنین نمایانی را در ارتباط با موقعیت آن عنصر نسبت به مراکز و کانون‌های دید و فعالیت شهر و ندان ارزیابی می‌گردد. (محمدحسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴) انسان به شدت میل به معناسازی دارد و معنا را از طریق تولید تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد. رویکرد زبان‌شناسانه به عماری نشان داد که می‌تواند شهر را و بنایايش را به مثابه متن در نظر گرفت و مورد تفسیر قرار داد. متن پدیده‌ای فیزیکی است، بنابراین هر

مصنوعی را با یک عملکرد و پیام رمزگذاری شده، می‌توان متن به شمار آورد. (حمدجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸) «معماری مانند یک متن در برابر مخاطب دنیایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی نموده و واحد زبانی در پس پرده خود است که با مخاطب به گفتوگو می‌نشینند.» (زال نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲) کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمانه، توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راههای دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن وابستگی معنایی به یکدیگر، یک کلیت واحد را به نمایش می‌گذارند (Frank, 2006) و از طریق رمزگان‌های منطقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند، بنابراین آنچه در معماری به عنوان عامل معناساز نشانه قابل‌شناسایی است؛ در هر سه قالب «شمایل، نمایه و نماد» می‌تواند نمود یابد. (Kumer, 2009: 17)

ادراك محیط

اولین گام در فرآیند شناخت و ادراك محیط، حس عناصر كالبدی در فضای شهری است (موسی سروینه باغی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در این مرحله، ذهن انسان تلاش دارد تا به کمک تفسیر و معنا کردن روابط میان عناصر فضای شهری، نظم و ساماندهی بصری را تجسم نموده و رابطه‌ای معنادار را میان آن‌ها برقرار نماید (کاظمی و بهزادفر، ۱۳۹۲: ۷۴). در این صورت می‌توان گفت، تأثیرات روان‌شناختی انسان از ادراك عناصر فضای شهری به دو دسته «ادراك کیفیت معنایی محیط» و «ادراك کیفیت بصری محیط» تقسیم می‌شوند (لاری پور و دادور، ۱۳۹۸: ۸۶). از نیمه دوم قرن بیستم و پس از افول اندیشه‌های خردگرایانه در چارچوب گرایش‌های هنر مدرنیستی و اقبال به رویکردهای پس‌امدرن در ادبیات معماری و شهرسازی، موضوع معنا در کیفیت محیط تجلی یافت (ماجدی و سعیده زرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۲). مطالعات پژوهش‌های افرادی همچون لینچ^۱، رایپورت^۲، شولتز^۳، وايت^۴، رلف^۵، اپلیارد^۶ و غیره نشان می‌دهد که جنبه‌های ادراك و تداعی‌کننده معنا به یکدیگر مرتبط بوده (Kalin and Yilmaz, 2012: 241) و تفاوت میان کیفیت‌های ادراكی موجب می‌شود که این کیفیت‌ها در ترکیب باهم، تداعی‌گر «معناها» برای مخاطبان باشد (کوهی‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۲). از دیدگاه لینچ، «ادراك» تظاهر عینی «معنا» است و معنایی محیط به‌واسطه حضور در فضا و ادراك آن تعیین می‌گردد (لينچ، ۱۳۹۵). کالن^۷ سعاد بصری و ادراكی را عامل مهمی در ایجاد حس رضایت افراد در تماس با محیط می‌داند (عامری سیاهویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). شولتز نیز در نگاهی پدیدارشناسانه به محیط معتقد است که انسان به‌واسطه حضور در فضا به دنبال آن است که وجود خود را معنادار نموده و پایگاهی در فضا در زمان به‌دست آورد (لاری پور و دادور، ۱۳۹۸: ۸۶).

در واقع ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در كالبد مكان نفوذ می‌نماید و در آن تجلی یافته و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازند (وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶: ۷۱). درنتیجه مؤلفه معنایی مكان، بسترهای کیفی و استعاری است که برآمده از حضور رویدادها و خاطرات جمعی و به‌طور کلی آن دسته از ویژگی‌هایی که مكان به‌واسطه آن دارای معنا شده است. (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). پدیده ادراك، فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارت‌حسی، معنادار می‌گردد و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درک می‌کند. در این عمل، تجارب‌حسی، مفاهیم و تصورات ناشی از آن، انگیزه فرد و موقعیتی که در آن ادراك صورت گرفته، دلالت می‌نمایند (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). در این رابطه ادراك محیطی، فرآیندی است که انسان، داده‌ها و انگاشتهای ذهنی لازم را از محیط پیرامون دریافت می‌کند و با شناخت او از محیط توأم می‌گردد؛ که این خود نتیجه برهم‌کش ادراك حسی و شناخت است. ادراك محیطی بر اساس حواس پنج‌گانه انسان و از جنبه‌های عینی محیط صورت گرفته و حس بینایی بیشترین نقش را در ادراك بصری محیط‌های شهری دارد. (وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶: ۷۱) کوین لینچ (۱۹۶۰) کیفیت یک شهر را تنها از طریق دیدن آن توسط شهروندان میسر می‌داند. وی عقیده دارد این امر به واسطه تصویر ذهنی و ادراك محیطی که مردم از محل سکونت خود دارند شکل می‌گیرد. وی در ارتباط با کیفیات بصری شهر به عوامل مختلفی از جمله خوانایی، شفافیت و واضح بصری اشاره می‌نماید (لينچ، ۱۳۹۵). کولن (۱۹۶۱) در زمینه جنبه‌های بصری شهر، نظریه «دیدهای متواالی» را ارائه نموده و به مؤلفه‌هایی نظیر تداوم بصری، منظر در حال نمایان، منظر موجود و غیره در ادراك بصری محیط اشاره می‌نماید (کالن، ۱۳۹۰: ۷۱).

جدول -۲- مؤلفه‌های موثر در ارتقاء کیفیت بصری و معنایی ادراك محیط

(مأخذ: نقل از وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶؛ ماجدی و سعیده زرآبادی، ۱۳۸۹؛ قشقایی و همکاران، ۱۳۹۷)

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های موثر در ارتقاء کیفیت بصری	مؤلفه‌های موثر در ارتقاء کیفیت معنایی
کریک (۱۹۷۰)	خوانایی؛ واضح بصری؛ شفافیت شناخت رفتارهای فضایی	Lynch, 1960
برلاین (۱۹۷۲)	انگیختگی یک فرد با ادراك او، میزان همبستگی با محیط، شخصیت و انگیزش و نیازهای فرد تنوع در مسیر حرکت	Cullen, 1961
لينچ (۱۹۹۷)	وضوح در درک کل و اجزای محیط در زمان و مکان و ارتباط آن با ارزش‌های غیرفضایی	Spreiregen, 1965

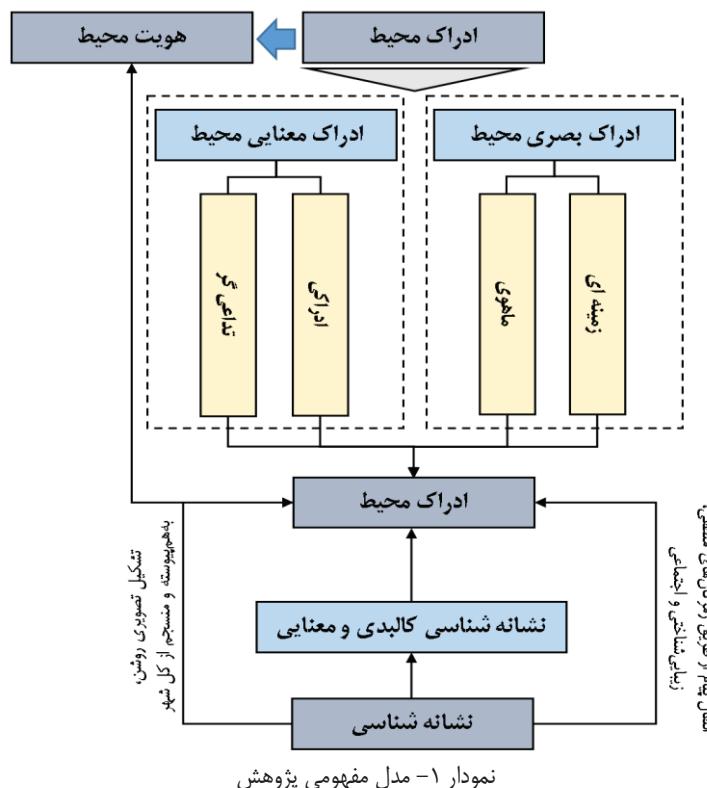
صاحب‌نظران	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت معنایی	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری	صاحب‌نظران
گروتر (۱۹۹۷)	عوامل اجتماعی و روانی / تفاوت‌های فرهنگی	تدابون؛ خوانایی؛ قابلیت پیش‌بینی	Lerup, 1972
جیفورد (۱۹۹۷)	رفتار و تجارب شخصی فرد	وحدت؛ خوانایی	Lynch & Hack, 1985
لیگ (۲۰۰۳)	تجربیات پیشین، نیازها و انگیزش‌ها، شخصیت فردی انسان	تناسبات بصری؛ غنای حسی بصری؛ خوانایی؛ سازگاری بصری، دید و منظر زیبا	Gehl, 1987
آلتمن (۲۰۰۴)	رفتار بر اساس ذهنیت	اشکال؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ پیچیدگی؛ رنگ	Lang, 1987
برادی و همکاران (۲۰۰۴)	شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی، تجربیات شخصی، نظام ارزش‌ها و تفاوت‌های شخصیتی افراد	خوشایندی بصری؛ خوانایی؛ مقیاس؛ محصوریت	Steadman, 2004
راپاپورت (۲۰۰۶)	حاصل ارتباط غیرکلامی انسان - محیط انطباق انجام‌های ذهنی با عناصر کالبدی محیط	دید؛ منظر	Frank, 2006
وایت (۲۰۰۶)	ادراک ناظر	رویت‌پذیری؛ نور مطلوب؛ فضای سبز؛ امکانات	Lee, 2006
دگن (۲۰۰۸)	ارزش‌های اجتماعی	کشف و راز	Pikora et al, 2006
ویشر (۲۰۰۸)	عالیق، احساسات، خاطرات و انتظارات، زمینه اجتماعی و زمان	جهت‌یابی؛ خوانایی	Carmona, 2007
سانتوس و همکاران (۲۰۰۹)	شاخص‌های اجتماعی و فردی	شکل؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ رنگ؛ حس مالکیت بر فضای سایه؛ سلسه‌مراتب؛ ارتباطات فضایی؛ ابهام؛ نوآوری؛ سازگاری و شگفتی؛ محصوریت	Kumar, 2009
شولتز (۲۰۰۹)	روابط خاص اشیاء با یکدیگر در محیط	کیفیت دیدها؛ خط آسمان؛ چشم‌اندازها؛ کنترل و احداث بناهای مرفوع نشانه‌ای	Ganitseva and Coors, 2010
رلف (۲۰۰۹)	حضور انسان‌ها در فضاهای	دسترسی؛ خوانایی؛ تداوم؛ خدمات؛ زیبایی بدن	Kalin and Yilmaz, 2012
حال (۲۰۰۹)	تغییر توانایی‌های فردی در اثر یادگیری، جنسیت و فرهنگ	خلاصیت در معماری؛ تنوع قطعات	Saeideh Zarabadi et al, 2013
کرمونا (۲۰۱۰)	تحولات اجتماعی و فرهنگی، تجربیات شخصی، نظام ارزش‌ها و تفاوت‌های شخصیتی افراد	بسیار و زمینه مناسب؛ خوانایی	Richter and winter, 2014
کارتکین (۲۰۱۳)	میزان اطلاعات جذب شده ذهن از محیط پیرامون	فضای سبز	Zhang et al, 2014
باسنهارت (۲۰۱۴)	فرهنگ و ارزش‌های فردی	زیبایی محیطی؛ مجاورت با عناصر تاریخی	Ghafari et al, 2015
(۲۰۱۵)	تجربیات فرد در زندگی، آشنایی‌داری و تجربه کانونی و لاودی	زیبایی محیطی؛ خوانایی	Kamrani and Behzadfar, 2016
لالوه (۲۰۱۵)	چندمعنایی بودن محیط	تنوع سبک‌های معماری	Alkan Bala, 2016
فولر (۲۰۱۶)	هیجان و احساسات، جنبه‌های ادراکی، یادیاری، رفتاری و تجربه‌ای	عوامل ایجاد‌کننده هویت و تأکید؛ ارتباط اجزای کالبدی با یکدیگر و با کل	Samavatekbatan et al, 2016
رایس و همکاران (۲۰۱۶)	قومی، جنسیتی، طبقه اجتماعی و سن مخاطب	نمای معماری و پیوستگی جداره‌ها	Azma and Katanchi, 2017

هویت محیط

هویت احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند. (حمدجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸). بر همین اساس باید اذعان داشت که هر کدام از عناصر سیمای محیط همچون پدیده‌های عینی دیگر دارای هویت هستند بهشرط آن که از یکسو در

مقام عینیت مستقل باشند و از سوی دیگر افراد به عنوان موجودی عینی در محیط حضور یافته و عینیت تک تک عناصر سیمای محیط را ابتدا درک و سپس با ذهن خود تطبیق دهند (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱: ۵۱). در این حالت است که شخص بخشی از عینیات محیط را به تصویری ذهنی بدل می‌سازد؛ بنابراین بهترین شیوه بررسی جایگاه هویت به دو صورت زیر میسر خواهد بود (دولابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰):

۲) پرداختن به اسطوارانی که از یک عصر غیبی سیمای محیط وجود دارد.
 ۳) انطباق آن با تصویراتی است که در ذهن افراد به وجود می‌آید (کامورشلمانی و حناچی، ۱۳۹۴: ۶۷).
 مهم‌ترین ویژگی در تبدیل محیط به هویت، مکان است. کیفیت معنایی محیط وقتی به معنا تبدیل می‌گردد که هویت و ریشه داشته باشد.
 «کورپرلا» هر مکان کالبدی مصنوع یا طبیعی برای شناخت مکان در طول زمان برای محیط «حس خود» تحقیق یابد را تعریف نموده است.
 (Korpela, 1998: 244) شهر مجموعه‌ای از عوامل زنده و پویا بوده که هویتبخشی آن در طول زمان منتقل شده و عناصر و عوامل تشکیل دهنده محیط‌های آن اعم از ساختمان‌ها، گذرها، میدان‌ها، محصول روح خلاق ساکنین آن است. اگر شهر را مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، عناصر و مراکز شهری بدانیم باید ظاهری بر آن متصور شویم که در صورت هویت‌دار بودن یا ساخته شدن و یا فعل دیگر بتواند منحصر به خود باشد (شهرآیان و گلیبور، ۱۳۹۶: ۶) در فرآیند طراحی مبتنی بر شیوه‌های ساختاری از طریق سنجش هویت، ویژگی‌ها یا سازوکارهایی برای مکان‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود که آن‌ها از هم متمایز می‌سازند. شفافیت تمایز فرم‌ها، کارکردها، مناظر و تصویرات ذهنی قابلیت‌های دلپذیری کارایی، مکان را در محور معنی‌دار بودن فضای ارتقاء می‌بخشد. همه این‌ها بخشی از مؤلفه‌های زمینه‌ساز ارتقاء کیفیت محیط است که هدف طراحی محیط و طراحان شهری است. (کوهی‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۱)



پژوهش پیشینه

در ارتباط با موضوع و رویکرد پژوهش محققان زیادی به کار تحقیق مبادرت داشتند که در اینجا به ذکر برخی از نظریات خواهیم پرداخت: انصاری و همکاران در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان «هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری» با معرفی انگاره‌های «هویت» و «حس مکان» در بافت‌های فرسوده شهری ضمن تأکید بر لزوم انجام مطالعات بصری - کالبدی در این بافت‌ها، اقدام به معرفی تحلیل و بازنگاری نظام بصری و انگاره‌های آن پرداختند. کلاسی و مدیری در سال ۱۳۹۱ در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل گیری حس مکان» بر فراهم آوردن بستری برای رسیدن به ادراک معانی وجود در مکان و خلق معانی

ارزشی و نمادین از مکان در ذهن تأکید کرده‌اند. نتایج حاصل از آن مبین وجود روابط درونی میان سطوح مختلف معنای مکان، سلسله مراتب حضور انسان در مکان و سطوح گوناگون حس مکان است. نصر و ماجدی در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «هویت کالبدی شهر، مفاهیم و نظریات» هویت را موضوعی می‌دانند که تفاوت سیمای شهر قدمی ایرانی و شهر معاصر را موجب گشته است و معتقدند فضای شهری ایرانی مواجد هویت است و این هویت در فرهنگ، محیط، کالبد و معنا خود را می‌نمایاند؛ در حالی که در فضای شهری امروز چنین نیست.

نرخ آبادی فام در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «ازربایجان معناشناختی نشانه‌های شهری بر مبنای هویت اسلامی»، نشانه‌های معماری شهر نمی‌توانند معنایی متناسب با فرهنگ و هویت فرد داده و فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. از نظر وی بنای‌های شاخص و نشانه‌های شهری می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و گامی در جهت معنابخشی به فضا و ایجاد حس مکان در مخاطب باشند و فضاهای شهری را برای شهروندان خوانان، قابل درک و در آن‌ها حس تعلق مکانی ایجاد نمایند.

ملکی در سال ۱۳۹۶ در کتاب معنا در معماری می‌نویسد: همه‌چیز در معماری از معنا شروع می‌شود و در حقیقت این معناست که روح حاکم بر جوامع انسانی و هر چیز انسانی و دست ساخته وی حتی بنای‌های ساخته شده توسط انسان را تشکیل می‌دهد؛ و معتقد است موضوعی که ذهن معماران را همیشه به خود معطوف داشته و باعث برخورد آراء ایشان با یکدیگر می‌شود این است که بالآخره فرم باید از عملکرد تعیت کند با این که فرم باید تابعی از زیبایی باشد و عملکرد بهتیغ و در امتداد فرم پدید آید.

نصر در سال ۱۳۹۶ در مقاله با عنوان «جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی»، با تأکید بر آنکه شهر با الگوی فرهنگ گرانمی‌تواند در هرجایی از زمین پیاده شود، متمرکز است و هویت هر شهر با شهر دیگر متفاوت است، می‌نویسد که انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویتمند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند؛ بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به عنوان حلقة‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته و حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد و در ادامه با واکاوی شهرسازی معاصر ایران اذعان می‌دارد که شهرسازی امروز پیش از آن که به عوامل محتواهی ذکرشده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ پس نمی‌توان برای آن مفهومی در نظر گرفت، چراکه در آن یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.

مرادزاده در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «دستیابی به فضای مطلوب شهری با تأکید بر نقش مؤلفه معنا در شهر با محوریت ادراک محیطی شهرهوندان»، با تأکید بر ساماندهی فضایی در نظام بصری شهر، حضور مثبت افراد و درنتیجه ارتقاء و تقویت سطح روابط اجتماعی میان افراد جامعه را منوط به ادراک درست از محیط و توجه به نشانه‌ها و معناشناختی فضای ساخته می‌داند. وی شش پارامتر «هویت، ساختار، سازگاری، شفافیت، خوانایی و اهمیت» را با توجه به میزان تأثیرگذاری بر مؤلفه معنا و با استفاده از نرم‌افزار SEM و مدل ساختاری SPSS مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و درنتیجه آن ساختار فضا و همنشینی اجزای آن را هدایتگر کنش اجتماعی و ادراک محیط از سوی شهروندان در تعریف فضا و خوانش هویت فضایی آن معرفی می‌کند. لاریبور و دادرور در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در مسجد و کیل شیراز»، با استفاده از نظریه «چارلز ساندرز پیرس» به بررسی نقوش تزئینی و معماری مسجد و کیل شیراز از منظر نشانه شناختی پرداختند. در این پژوهش سعی بر آن داشتند تا عناصر تزئینی و اجزاء کالبدی مسجد و کیل و تأثیری که در انتظار معانی و مفهوم نشان دارند را موردنبررسی قرار دادند و دریافتند در هنر اسلامی نشانه‌های شمایلی کمتر به کار رفته است و در صورت وجود، هنرمند آن را از دلالت تشابه آزادکرده و گستردگی معنایی به آن می‌بخشد.

پورزرگ در سال ۲۰۱۴، در مقاله‌ای با عنوان «خانه، سنت و بازآفرینی محله جوباره اصفهان»، به بیان حفظ ارزش‌های ماندگار محله؛ جذب و نگهداری نشانه‌های بصری محله؛ ایجاد وحدت فضایی مجموعه؛ بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی محله، اجیاء واحدهای همسایگی، معابر و دسترسی‌های تاریخی را در حفظ هویت و ساماندهی نظام بصری در راستای خوانش معانی بافت تاریخی جوباره در شهر اصفهان عنوان می‌کند.

شولتس در سال ۲۰۱۷ در کتاب «معنا در معماری غرب» می‌نویسد: معنا نیاز بنیادی انسان است و انسان چیزی جزء معنای که در دسترس اوست نیست؛ وی معتقد است بلوغ روانی آدمی به معنای آگاه شدن او از معناهast و هر فرد در درون نظام معنایی زاده می‌شود که از طریق مظاہر نمادینش به فهم آدمی منتقل خواهد شد. در همین نظام است که آدمی با «ساختن» معناها را آشکار می‌کند. پس هر محصول انسان را می‌توان نماد یا ابزاری دانست که در خدمت هدف نظم (معنا) بخسیدن به نسبت‌های معنی میان انسان و محیط اوست.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ حیث نوع بنیادین و از جنبه روش دارای ترکیبی لانه به لانه است برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحقیق کیفی-کمی لانه‌به‌لانه استفاده می‌شود. در روش کیفی برای تدقیق متغیرهای استخراج شده از مبانی و همچنین تخصیص دادن متغیرهای مبانی به نمونه موردی از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده می‌شود و نتایج بدست آمده برای تسهیل در امر کدگذاری وارد نرمافزار ATLAS.TI می‌گردد و کدگذاری باز برای استخراج متغیرها با رویکرد، زنده، توصیف و تفسیر صورت می‌پذیرد. افراد مصاحبه‌شونده مطابق جدول زیر برگزیده شده‌اند و معیار ورود به تحقیق آن‌ها وجود مقالات علمی پژوهشی در ارتباط با موضوع و خبره بودن آن‌ها در این حوزه است. سیستم معرفی آن‌ها به صورت گلوله برگی است.

جدول ۳- تخصص افراد مورد مصاحبه

مصاحبه‌شوندگان	تعداد	فراوانی (درصد)	درصد تجمعی
جنسیت			
زن	۱۵	۳۲/۶	۳۲/۶
مرد	۳۱	۶۷/۴	۱۰۰
مدرک تحصیلی			
لیسانس	۵	۱۰/۹	۱۰/۹
فوق لیسانس	۱۹	۴۱/۳	۵۲/۲
دکتری	۲۲	۴۷/۸	۱۰۰
تخصص			
اساتید معماری	۱۶	۳۴/۸	۳۴/۸
اساتید معماری منظر	۹	۱۹/۵	۵۴/۳
اساتید طراحی شهری	۱۲	۲۶/۲	۸۰/۵
اساتید برنامه‌ریزی شهری	۹	۱۹/۵	۱۰۰
مجموع	۴۶	۱۰۰	-

در قسمت کمی از متغیرهای به دست آمده پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت ۵ تابی (۱: کمترین میزان ادراک فرد از هویت محیط؛ ۵: بیشترین میزان ادراک فرد از هویت محیط) تدوین می‌گردد و بین ۳۸۴ نفر از کاربران فضایی تقسیم می‌شود. نمونه‌گیری برای تعیین گروههای سنی خوش‌های و در هر گروه سنی به صورت تصادفی است. خوش‌های شامل گروههای سنی ۲۰-۴۰، ۴۰-۶۰، ۶۰-۸۰ است. خصوصیات و ویژگی‌های کاربران فضایی در جدول زیر آمده است. برای کفایت نمونه از حد بالای جدول مورگان که تعداد ۳۸۴ است بهره گرفته شده است. در آغاز هدف‌های کل (هدف تحقیق و بررسی) و هدف‌های جزء (هدف از طرح هر سؤال)، مفاهیم، مضماین، مقوله‌های تخصصی و کلیدوازه‌های پژوهش مشخص شده و توضیح هر یک از آن‌ها به صورت پیوست در اختیار کاربران فضایی قرار داده شد. سپس در صورت عدم وجود ابهام در خصوص این واژگان تخصصی برای پرسش‌شوندگان، پرسشنامه با سؤالات بسته که شامل سؤالات در خصوص هدف و سؤال تحقیق بود، به آن‌ها تعلق گرفت. سؤالات پرسشنامه به صورت کلی و به دوراز سفسطه و جزئی گویی طراحی گردید.

جدول ۴- ویژگی‌های کاربران فضایی که پرسشنامه به آن‌ها تعلق یافت

تعداد انتخاب از هر گروه	مدت سکونت در محله	حداقل پنج سال	پرسش‌شوندگان	تعداد	فراوانی (درصد)	تعداد افراد نمونه	تعداد افراد جامعه
زن	۸۷	۲۲/۶۶				۳۸۴	۶۰۳۷
مرد	۲۹۷	۷۷/۳۴					
تعداد انتخاب از هر گروه				تعداد انتخاب از هر گروه سنی			

جنسيت هر گروه	زن (نفر)	مرد (نفر)
۴۰-۲۰	۵۷	۷۱
۶۰-۴۰	۶۲	۶۶
۸۰-۶۰	۴۷	۸۱
مقطع تحصیلی	تعداد (کل گروههای سنی)	درصد
زیر دیپلم	۱۲	۳/۱۲
دیپلم	۳۷	۹/۶۳
لیسانس	۱۲۹	۳۳/۶
فوق لیسانس	۱۵۴	۴۰/۱
دکتری	۵۲	۱۳/۵۵

روایی ابزار با فرمول $CVR=0/76$ و آلفای کرونباخ برای پایابی با میزان ۰/۷۸ بهره گرفته شده است. به علت تعدد متغیرها برای دسته‌بندی و همچنین میزان اثر هریک از آن‌ها در محله فهادان از تحلیل عاملی با روش Varimax استفاده می‌شود و سپس به تفکیک گروههای سنی تبیین می‌گردد و درنهایت ضرایب تعیین شده در هر گروه سنی با یکدیگر همبستگی گرفته می‌شود و برآش منحنی ترسیم می‌گردد؛ و خصوصیات تغییریافته هر متغیر در گروه سنی به نمایش گذاشته می‌شود.

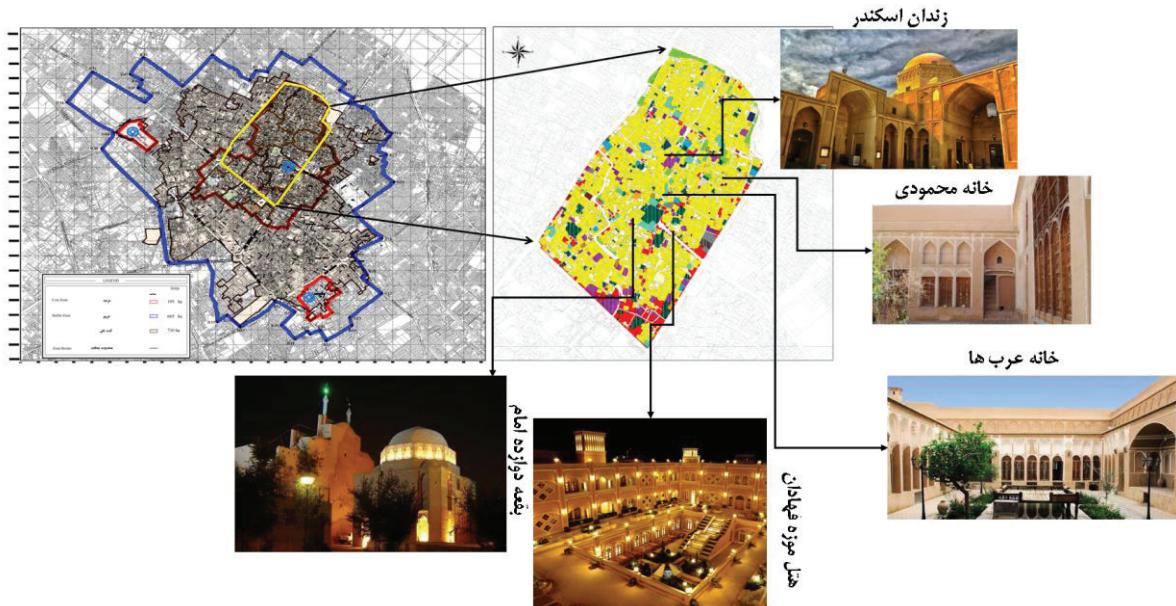
نشانه‌های ادراکی بصری و معنایی هویت محیطی گروههای سنی مختلف



نمودار ۲ - فرآیند تحقیق

محدوده مطالعاتی

vehadan یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر یزد است که در مجاورت محله‌های بازار نو، شاه ابوالقاسم و کوشک نو قرار دارد. این محله در گذشته محل سکونت اعيان، بزرگان و سر شناسان بوده است؛ و نیز به محله یوزداران نیز شهرت یافته است (شریفیان، ۱۳۹۷). محله فهادان در اوایل قرن پنجم هجری ایجاد شده است. محله فهادان محصور بین چهار خیابان اصلی به نام‌های امام خمینی، قیام، سیدگل سرخ و فهادان، از جانب شمال به خیابان فهادان، از جنوب به خیابان قیام، از سمت شرق به خیابان امام خمینی و از غرب به خیابان سیدگل سرخ محدود است (موذنی، ۱۳۹۴). کاربری‌های عمده در مجموعه شامل؛ کاربری‌های سکونتی، تجاری، آموزشی، فرهنگی، اداری، گردشگری، انجمن و مخربه است. در داخل بافت نقاط عمده فعالیتی شامل مجموعه مسجد جامع (شامل مسجد جامع، بقعه سیدرکن الدین، میدان وقت الساعت، بازار و چهار سوق شاهی، مدرسه علمیه و کتابخانه وزیری)، مرکز محله فهادان (شامل بقعه دوازده امام، زندان اسکندر، حسینیه فهادان و هتل فهادان) مجموعه عناصر وابسته به میراث فرهنگی و قسمتی از بازار است (کارآموز، ۱۳۹۳).

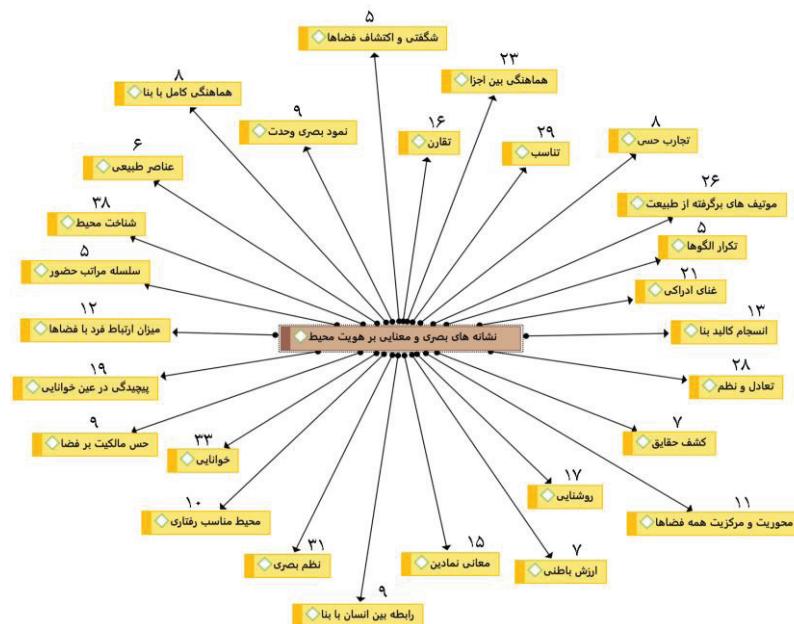


شکل ۱- محدوده مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

در جمع‌بندی کلیه کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های صورت گرفته در ارتباط مقایسه نشانه‌های معنایی و بصری در هویت محیطی با تأکید بر ادراک متفاوت گروه‌های سنی به صورت زیر در شکل ارائه می‌شود.

در این مرحله پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را بازشناسد. درنهایت اطلاعات حاصل از مصاحبه با استاید و کارشناسان، ۲۷ مفهوم در ارتباط با نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت‌بخشی از طریق کدگذاری باز استخراج گردید. این ساختار تجربه بر اساس نوع معانی حاصل از تجربه مثبت و ارتباطات به هم پیچیده ابعاد مختلف بود که ماهیت اصلی نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت‌بخشی اصلی فضای نتیجه حاصل، مبنای بحث در خصوص ابعاد اثرگذار در نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت‌بخشی و پرسش‌های مطرح شده در این رابطه شدند. سپس طبقات شکل گرفته در کدگذاری باز، با یکدیگر مقایسه و ارتباط با زیر طبقات‌شان بررسی شد. طبقات مشابه باهم ادغام شدند و در یک طبقه محوری دسته‌بندی شدند.



نمودار ۳- تکرار هر یک از کدهای استخراج شده از متن مصاحبه در کدگذاری باز

در این مرحله، نخست متن مصاحبه در جستجوی مضمین مرتبط با سوالات تحقیق، به صورت دقیق و کلمه به کلمه مطالعه شده و در هر نقطه از مصاحبه که مضمونی یافت می‌شد، آن قطعه از مصاحبه انتخاب شده و یک مضمون توصیفی به آن نسبت داده می‌شد و پس از کدگذاری توصیفی متن مصاحبه، به تفسیر معانی آن‌ها پرداخته شد. در ادامه نحوه کدگذاری توصیفی و تفسیری برخی از متون مصاحبه آورده شده است.

جدول ۵- گزیده‌ای از کدهای مفهومی استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

کد مفهومی استخراج شده	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت
معانی نمادین سلسله‌مراتب حضور	مؤلفه‌های معنای محیط، بستری برای رسیدن به ادراک معانی وجود در مکان فراهم می‌کنند که موجب به خلق معانی ارزشی و نمادین از مکان در ذهن می‌شود. سپس حس مکان از برآیند روابط درونی میان سطوح مختلف معنای مکان، سلسله‌مراتب حضور انسان در مکان و سطوح گوناگون به دست می‌آید.
نمود بصری بصری برای چشم انسان شناسایی می‌شود.	ساختر بنیای انسان در شکل‌گیری میارهای طراحی جداره‌های شهری و ادراک بصری تأثیر دارد. محیط بصری با توجه به مطابقتی که با مکانیسم فیزیولوژیک و بنیای انسان دارد تحلیل می‌شود و با توجه به استانداردهای بنیایی در درک تصویر محیط
نمود بصری وحدت	جهت حفظ هویت و ساماندهی نظام بصری در راستای خوانش معانی بافت تاریخی بایستی به حفظ ارزش‌های ماندگار محله؛ جذب و نگهداشت نشانه‌های بصری محله؛ ایجاد وحدت فضایی مجموعه؛ بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی محله، احیاء واحدهای همسایگی، معابر و دسترسی‌های تاریخی توجه داشت.
غمای ادراکی خوانایی محیط	نشانه‌های معماری شهر نمی‌توانند معنایی متناسب با فرهنگ و هویت فرد داده و فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. بنای‌های شاخص و نشانه‌های شهری می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و گامی در جهت معنابخشی به فضا و ایجاد حس مکان در مخاطب باشند و فضاهای شهری را برای شهروندان خوانان، قابل درک و در آن‌ها حس تعلق مکانی ایجاد نمایند.
حس مالکیت شناخت محیط	هر عصری هویت و نشانه‌های خود را دارد؛ اما آنجا که گستالت روی می‌دهد مصاديقی از بحران هویت در افراد و محیط ساخته رخ می‌دهد؛ بنابراین باینکه شهر به طور مداوم در حال تغییر است اما نرخ تغییر عناصر، نشانه‌ها و معانی به یک اندازه نیست و به همین دلیل اصالت و هویت آن حفظ می‌شود و حس مالکیت و شناخت محیط از اهمیت زیادی در دید بصری بیننده برخوردار می‌گردد.
عناصر طبیعی	شهر با الگوی فرهنگ گرا نمی‌تواند در هرجایی از زمین پیاده شود و هویت هر شهر با شهر دیگر متفاوت است. انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویتمند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند؛ بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته و حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد. شهرسازی امروز پیش از آن که به عوامل محتوایی ذکر شده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ پس نمی‌توان برای آن مفهومی در نظر گرفت، چراکه در آن پکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.
سلسله‌مراتب حضور	همه‌چیز در معماری از معنا شروع می‌شود و در حقیقت این معنا و حس حضور بودن است که روح حاکم بر جوامع انسانی و هر چیز انسانی و دست‌ساخته وی حتی بنای‌های ساخته شده توسط انسان را تشکیل می‌دهد. موضوعی که ذهن معماران را همیشه به خود معطوف داشته و باعث برخورد آراء ایشان با یکدیگر می‌شود این است که بالاخره فرم باید از عملکرد تبعیت کند یا این که فرم باید تابعی از زیبایی باشد و عملکرد به تبعی و در امتداد فرم پدید آید.
خوانایی محیط شناخت محیط	حضور مثبت افراد و در تیجه ارتقاء و تقویت سطح روابط اجتماعی میان افراد جامعه را منوط به ادراک درست از محیط و توجه به نشانه‌ها و معناشناصی فضای ساخته می‌داند. ساختار فضا و همنشینی اجزای آن، هدایتگر کنش اجتماعی و ادراک محیط از سوی شهروندان در تعريف فضا و خوانش هویت فضایی آن است.
هماهنگی اجزاء فضا	نشانه‌ها می‌توانند در جهت ارتقای حس مکان و ایجاد کیفیتی بهتر در ارتباط با هماهنگی اجزای فضای معماری، در فرآیند طراحی نقش به سزاوی ایفا نمایند؛ بنابراین نقش معانی تداعی‌کننده در طراحی فضای معماری و چگونگی ادراک مخاطب اهمیت می‌باشد.
تجارب حسی عناصر طبیعی نمود بصری	رفتار انسان در شهر وابسته به میزان درک و شناخت او نسبت به محیط است و پدیده ادراک فرآیند ذهنی است که طی آن تجارب حسی، معنی‌دار شده و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را در می‌باید. پس نشانه عنصر طبیعی است که به لحاظ شکل و عملکرد با محیط اطراف متفاوت است و جهت القاء حس مکان و هدایتگری معانی بصری در دید مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

يافته‌های کمی

جهت سنجش نشانه‌های معنایی و بصری بر هویت محیطی پدید آمده در بخش کیفی و گروه‌بندی و تعیین میزان آن‌ها از سهم عاملی و تحلیل عاملی استفاده می‌شود.

اولین گام در روش تحلیل عاملی بعد از استخراج معیارها و شاخص‌های مورد نظر از متون معتبر مربوطه، تشکیل ماتریس اولیه اطلاعات است. در این پژوهش، ماتریسی دارای ۱ ردیف به نام محله فهادان و ۲۷ پیامد و نشانه ادراکی و بصری به عنوان ستون‌های ماتریس، در ماتریس اولیه اطلاعات تشکیل گردید.

مقدار KMO، همواره بین ۰ و ۱ است. در صورتی که مقدار موردنظر کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶ باشد، بایستی با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما در صورتی که این مقدار بیشتر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل داده‌ها مناسب خواهد بود از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، باید از آزمون بارتلت استفاده کرد. آزمون بارتلت این فرضیه را که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای نابسته است، می‌آزماید. برای آنکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند.

جدول ۶- مقادیر کایزرس میر اولکین و بارتلت در سنجش نشانه‌های ادراکی و بصری

مقادیر کایزرس میر اولکین و بارتلت		مقادیر کایزرس نمونه‌گیری کایزرس میر اولکین	۷۴۲/۰
	کای اسکوئر	۷۶/۲۲۶	
آزمون کرویت بارتلت	درجه آزادی	۲۷	
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	

آزمون بارتلت هنگامی معنادار است که احتمال وابسته به آن کمتر از ۰/۰۵ باشد. اگر آزمون بارتلت معنادار باشد، این خطر وجود دارد که ماتریس همبستگی ماتریسی واحد (با عناصر قطری ۱ و عناصر غیر قطری صفر) باشد و برای تحلیل بیشتر نامناسب است در روش تحلیل عاملی، ساخت عامل‌ها به چند طریق صورت می‌گیرد، که یکی از آن‌ها روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی^{۱۳} است که در این تحقیق از همین روش استفاده شده است. جدول ۶ بررسی آزمون کرویت بارتلت و ضریب KMO را برای تحلیل موردنظر در این پژوهش در این پژوهش ارائه می‌دهد. جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار KMO مربوطه، بالاتر از ۰/۵ بوده و برای تحلیل عاملی داده‌های مربوطه مناسب می‌باشند.

جدول ۷- اشتراکات متغیرهای ادراکی و بصری محله فهادان بیزد

۰/۸۷۳	۱/۰۰۰	تناسب	۰/۸۰۰	۱/۰۰۰	پیچیدگی در عین خوانایی
۰/۷۶۹	۱/۰۰۰	روشنایی	۰/۶۰۶	۱/۰۰۰	تجارب حسی
۰/۷۱۶	۱/۰۰۰	حس مالکیت بر فضا	۰/۸۵۳	۱/۰۰۰	تعادل و نظم
۰/۵۷۳	۱/۰۰۰	ارزش باطنی	۰/۷۴۵	۱/۰۰۰	انسجام کالبد فضاهای
۰/۶۱۸	۱/۰۰۰	عناصر طبیعی	۰/۸۱۶	۱/۰۰۰	هماهنگی در اجزا
۰/۶۴۲	۱/۰۰۰	هماهنگی کامل با بنا	۰/۹۰۷	۱/۰۰۰	خوانایی
۰/۵۱۷	۱/۰۰۰	کشف حقایق	۰/۹۳۲	۱/۰۰۰	شناخت محيط
۰/۷۲۸	۱/۰۰۰	میزان ارتباط فرد با فضاهای	۰/۸۰۹	۱/۰۰۰	غنای ادراکی
۰/۷۱۳	۱/۰۰۰	نمود بصری وحدت	۰/۸۸۰	۱/۰۰۰	نظم بصری
۰/۷۱۸	۱/۰۰۰	محیط مناسب رفتاری	۰/۷۶۶	۱/۰۰۰	تقارن
۰/۸۴۶	۱/۰۰۰	موتیف‌های برگرفته از طبیعت	۰/۶۵۳	۱/۰۰۰	رابطه بین انسان با بنایها
۰/۷۱۹	۱/۰۰۰	محور و مرکزی بودن همه فضاهای	۰/۷۴۶	۱/۰۰۰	معانی نمادین

Extraction Method: Principal Component Analysis.

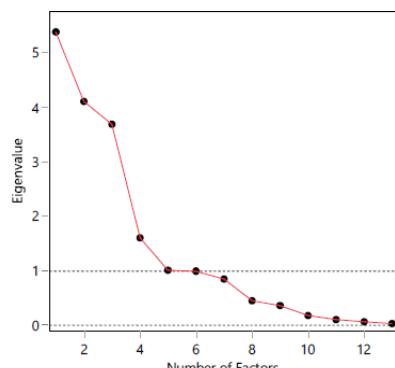
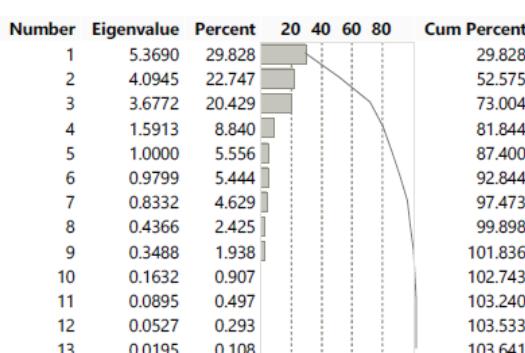
یکی از اولین خروجی‌های روش تحلیل عاملی، جدول اشتراکات مربوط به هر متغیر است که نشان می‌دهد میزان واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرهای به کار گرفته شده در تحلیل چقدر است. هرچقدر میزان آن در هر شاخص بالاتر باشد، نشان می‌دهد که آن شاخص دارای ارتباط بیشتری با

سایر نشانگرهای به کار گرفته شده در موضوع است. در این مرحله و در راستای شناسایی شاخص‌هایی که بیشترین ارتباط با موضوع را داشته باشد، شاخص‌هایی که مقادیر عددی آن‌ها کمتر از 40% باشد را از فرایند محاسبات حذف نموده تا مقدار KMO افزایش یافته و قدرت تبیین کنندگی مدل بیشتر گردد. در این مطالعه روش تحلیل عاملی اول با ۲۷ نشانه انجام شده و شگفتی و اکتشاف فضاهای سلسه مراتب حضور، تکرار الگوها به دلیل پایین بودن مقدار KMO حذف شدند تا مقدار اشتراکات بالاتر رفته و مقدار KMO نیز به حد مطلوب برسد. جدول زیر میزان واریانس مشترک بین یک متغیر نشانه ادراکی و بصری را با سایر متغیرهای به کار گرفته شده در تحلیل، دارای واریانس مشترک بالایی می‌باشد.

در ارتباط با تعیین نهایی تعداد عوامل (بعد) تبیین کننده نشانگرهای پدیده آمده از هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی، باید به لحاظ آماری سه شرط را رعایت نمود، شرط اول توجه به این نکته است که مقادیر ویژه^{۱۵} مربوط به تمامی نشانگرهای پدیده آمده هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی باید بالاتر از ۱ باشد. شرط دوم رعایت مقدار واریانس تجمعی است که مجموع واریانس تجمعی عوامل استخراج شده نهایی باید بالاتر از 60% باشد و شرط سوم اینکه واریانس تبیین شده هر عامل به تنهایی باید بالاتر از 10% باشد تا عامل مربوطه به عنوان عامل مبین هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی شناخته شود. بررسی شروط فوق در جدول زیر نشان می‌دهد که شش عامل به عنوان عوامل تأثیرپذیر از گفتمان در مسکن‌های جمعی مورد مطالعه شناخته شده‌اند. دلیل این موضوع این است که مقادیر ویژه هر یک از عوامل فوق بالاتر از ۱ بود و این مقدار در عامل اول $4/4663$ در عامل دوم $3/463$ در عامل سوم $1/634$ و در عامل چهارم $1/527$ ، در عامل پنجم $1/317$ و در عامل ششم $1/107$ است. بررسی شرط دوم نشان می‌دهد که واریانس تجمعی تبیین شده توسط عوامل مربوطه در محدوده مورد مطالعه $94/472$ است که نشان می‌دهد عوامل مربوطه درصد از نشانه‌های بصری و معنایی بیان می‌کند. بررسی شرط سوم نیز نشان می‌دهد که هر عامل به صورت مستقل بیش از 10% درصد واریانس را تبیین می‌نمایند تا جایی که مقدار این موضوع در عامل اول $24/946$ درصد بوده و نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در آن نهفته است.

جدول ۸- تعیین تعداد عوامل

درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف										
مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده			واریانس تبیین شده عامل‌هایی که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک باشد.			مقادیر ویژه اولیه نحوه فرم				
	بعد از چرخش	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۲۲/۵۸۳	۲۲/۵۸۳	۳/۳۲۶	۲۴/۹۴۶	۲۹/۸۲۸	۳/۸۲۷	۲۴/۹۴۶	۲۹/۸۲۸	۳۹۲۷	۱	
۴۳/۱۵	۲۰/۵۶۷	۲/۷۱۳	۴۵/۶۴۳	۲۲/۷۴۷	۲/۷۴۶	۴۵۵۴۳	۲۲/۷۴۷	۲/۷۴۶	۲	
۵۷/۷۴	۱۴/۵۹۰	۱/۸۹۷	۶۰/۱۳	۲۰/۴۲۲	۱/۱۹۵۰	۶۰/۱۳	۲۰/۴۲۲	۱/۹۵۰	۳	
۱۷/۰۱۸	۱۳/۴۹۰	۱/۷۵۲	۷۲/۴۲۶	۱۴/۷۱۹	۱/۷۲۶	۷۲.۴۲۶	۱۴/۷۱۹	۱/۷۲۶	۴	
۸۰/۹۸۲	۱۲/۲۷۸	۱/۴۳۹	۸۳/۴۵۵	۸/۸۴۰	۱/۴۴۲	۸۳.۴۵۵	۸/۸۴۰	۱/۴۴۲	۵	
۹۴/۴۷۲	۱۰/۹۶۴	۱/۳۵۷	۹۵/۲۱۴	۵/۵۵۶	۱/۳۷۶	۹۵/۲۱۴	۵/۵۵۶	۱/۳۷۶	۶	



Extraction Method: Principal Component Analysis.

بعد از تعیین واریانس هر یک از عوامل، ماتریس عاملی را دوران داده تا هریک از شاخص‌های مربوطه بیشترین ارتباط را با عوامل مربوطه به دست آورند و شرایط را برای نام‌گذاری و شناسایی عوامل مربوطه به مدد امتیاز هر شاخص از عامل تسهیل نمایند. درواقع این ماتریس همان

ماتریس عاملی است که عامل‌های آن با روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استخراج شده و با روش چرخش واریماکس^۷ دوران یافته است. محصول این مرحله وزنی را برای هر عامل در مقابل شاخص مربوطه ایجاد می‌کند.

عامل اول: این عامل ۲۹/۸۲۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای پیچیدگی در عین خوانایی، تجارتی، تعادل و نظم، هماهنگی در اجزا، نورپردازی، میزان ارتباط فرد با فضاهای محوری و مرکزی بودن همه فضاهای همبسته است بر این اساس عامل دوم را تحت عنوان نشانه‌های فضایی نام‌گذاری کرد.

عامل دوم: این عامل ۲۲/۷۴۷ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای انسجام کالبد فضایی، نظم بصری، تقارن، تناسب، روشنایی، شگفتی و اكتشاف فضای همبسته است. بر این اساس عامل دوم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های کالبدی نام‌گذاری کرد.

عامل سوم: این عامل ۲۰/۴۲۲ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای ارزش باطنی، نمود بصری وحدت، سلسه‌مراتب حضور، غنای ادراکی، شناخت محیط همبسته است. بر این اساس عامل سوم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های عرفانی نام‌گذاری کرد.

عامل چهارم: این عامل ۸/۸۴۰ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای موتفی‌های برگرفته از طبیعت، عناصر طبیعی، هماهنگی کامل بنا همبسته است. بر این اساس عامل چهارم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های اقلیمی نام‌گذاری کرد.

عامل پنجم: این عامل ۵/۵۵۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای رابطه انسان با بنایها و محیط مناسب رفتاری همبسته است. بر این اساس عامل پنجم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های اجتماعی نام‌گذاری کرد.

جدول -۹- ماتریس عاملی دوران یافته و تعیین مقادیر ارتباط شاخص‌ها با عوامل

نام عامل	درصد تغییرات	نام عامل	ضریب تعیین ^۲	ضریب تعیین ^۲	ضریب تعیین ^۲	شاخص‌ها
فضایی	29/828	کالبدی	0/918	0/842	0/725	پیچیدگی در عین خوانایی
			0/700	0/745	0/723	تعادل و نظم
			0/753	0/861	0/927	هماهنگی در اجزا
			0/772	0/711	0/543	نورپردازی
			0/456	0/463	0/413	میزان ارتباط فرد با فضاهای
			0/921	0/911	0/906	محوری و مرکزی بودن همه فضاهای
			0/911	0/917	0/925	انسجام کالبد فضای
عرفانی	20/422		0/611	0/721	0/882	نظم بصری
			0/727	0/557	0/652	تقارن
			0/834	0/724	0/902	تناسب
			0/814	0/895	0/817	روشنایی
			0/575	0/725	0/925	شگفتی و اكتشاف فضای
			0/447	0/547	0/551	ارزش باطنی
			0/387	0/802	0/914	سلسله‌مراتب حضور
اجتماعی	5/556		0/321	0/574	0/651	غنای ادراکی
			0/654	0/671	0/943	شناخت محیط
			0/890	0/835	0/844	تجارتی حسی
			0/588	0/898	0/543	موتفی‌های برگرفته از طبیعت
			0/511	0/424	0/654	عناصر طبیعی
			0/161	0/211	0/323	هماهنگی کامل بنا
			0/543	0/819	0/841	رابطه بین انسان با بنایها

با توجه به نتایج به دست آمده در گروههای سنی مختلف مطابق جدول ۹ مشخص گردید که:

گروههای سنی ۴۰-۲۰ سال

در بعد فضایی مربوط به محوری و مرکزی بودن فضاهای با مقدار (۰/۹۲۱) بیشترین و کمترین مربوط به میزان ارتباط فرد با فضاهای با مقدار (۰/۵۴۶) است در بعد کالبدی انسجام کالبد فضاهای با مقدار (۰/۹۱۱) بیشترین و کمترین مربوط به شگفتی و اکتشاف فضا با مقدار (۰/۵۷۵) است. در بعد عرفانی بیشترین مربوط به شناخت محیط با مقدار (۰/۶۵۴) و کمترین مربوط به غنای ادراکی با مقدار (۰/۳۲۱) است. در بعد اقلیمی بیشترین مربوط به موتیف های برگرفته از طبیعت با مقدار (۰/۵۸۸) و هماهنگی کامل بنا با مقدار (۰/۱۶۱) است در بعد اجتماعی بیشترین مربوط به رابطه انسان با بناها با مقدار (۰/۵۴۳) است.

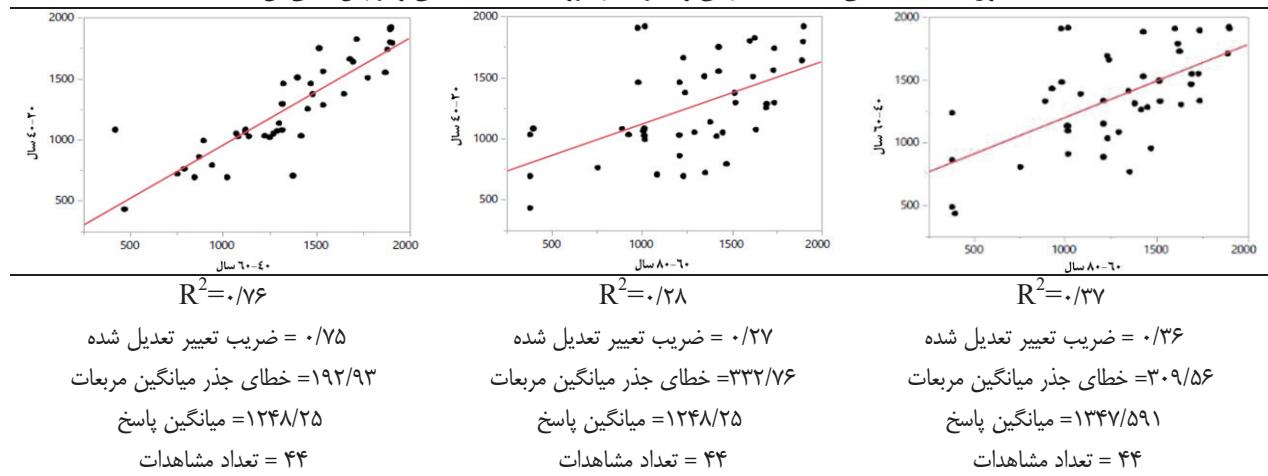
در گروه سنی ۶۰-۴۰ سال

در بعد فضایی بیشترین مربوط به محوری بودن و مرکزی بودن فضاهای با مقدار (۰/۹۱۱) و کمترین ارتباط با فضا با مقدار (۰/۴۶۳) است در ابعاد کالبدی انسجام کالبد فضاهای با مقدار (۰/۹۱۷) و کمترین مربوط به تقارن با مقدار (۰/۵۵۷) است. در بعد عرفانی سلسه مراتب حضور با مقدار (۰/۸۰۲) و غنای ادراکی (۰/۵۷۴) کمترین است در ابعاد اقلیمی موتیف های برگرفته از طبیعت با مقدار (۰/۸۹) بیشترین و کمترین در بنا با مقدار (۰/۲۱۱) است در اجتماعی رابطه بین آنان با بناها با مقدار (۰/۸۱۹) بیشترین و کمترین مربوط به محیط مناسب رفتاری با مقدار (۰/۵۵۲) است.

در گروه سنی ۸۰-۶۰ سال

در بعد فضایی هماهنگی در اجزا با مقدار (۰/۹۳۷) بیشترین و کمترین مربوط به میزان ارتباط فرد با فضاهای با مقدار (۰/۴۱۳) است در بعد کالبدی انسجام کالبد فضاهای بیشترین و کمترین مربوط به تقارن با مقدار (۰/۶۵۲) است در بعد عرفانی بیشترین مربوط به شناخت محیط با مقدار (۰/۹۴۳) و کمترین مربوط به ارزش باطنی با مقدار (۰/۵۵۱) است در اقلیمی عناصر طبیعی با مقدار (۰/۶۵۴) بیشترین و کمترین مربوط به هماهنگی کامل بنا با مقدار (۰/۳۲۳) است در بعد اجتماعی رابطه بین انسان با بناها با مقدار (۰/۸۴۱) بیشترین و کمترین مربوط به محیط مناسب رفتاری با مقدار (۰/۵۵۶) است.

جدول ۱۰- همبستگی نشانههای ادراکی و بصری در گروههای مختلف سنی و برآش خطی آن



بر اساس جدول ۱۰ همبستگی به دست آمده از گروههای سنی مختلف مشخص شد در گروههای سنی ۶۰-۴۰ و ۴۰-۲۰ تقریباً توجه به نشانههای ادراکی و بصری در یک فضا برابر است ضریب همبستگی ۰/۷۶ حاکی از این امر است به طوری کلی می‌توان این گونه بیان نمود که برای طراحی نشانههای ادراکی و بصری در یک فضا گروههای سنی ۶۰-۲۰ سال به یک صورت فکر می‌کنند و می‌توان از نتایج یک گروه برای تبیین رفتار گروه دیگر استفاده نمود اما این امر در گروه سنی ۸۰ تا ۶۰ سال وجود ندارد و نیاز قبل از طراحی محیطی با این خصوصیات نظر این گروه سنی جدا مورد بررسی قرار گیرد؛ اما با توجه به نمودارها مشخص می‌شود که نشانههای ادراکی و بصری در گروههای سنی ۶۰-۶۰ دارای همبستگی بیشتری هستند به نظر می‌رسد نوع نگاه گروههای سنی ۶۰-۶۰ در امتیازدهی به نشانهها دارای تفاوت بوده و با گذر زمان این تفاوت بیشتر هم می‌شود این امر با توجه به ضرایب تعیین به دست آمده این امر را تأیید می‌کند که باید در طراحی‌ها مبتنی بر نشانههای ادراکی و بصری به این امر توجه ویژه‌ای نمود.

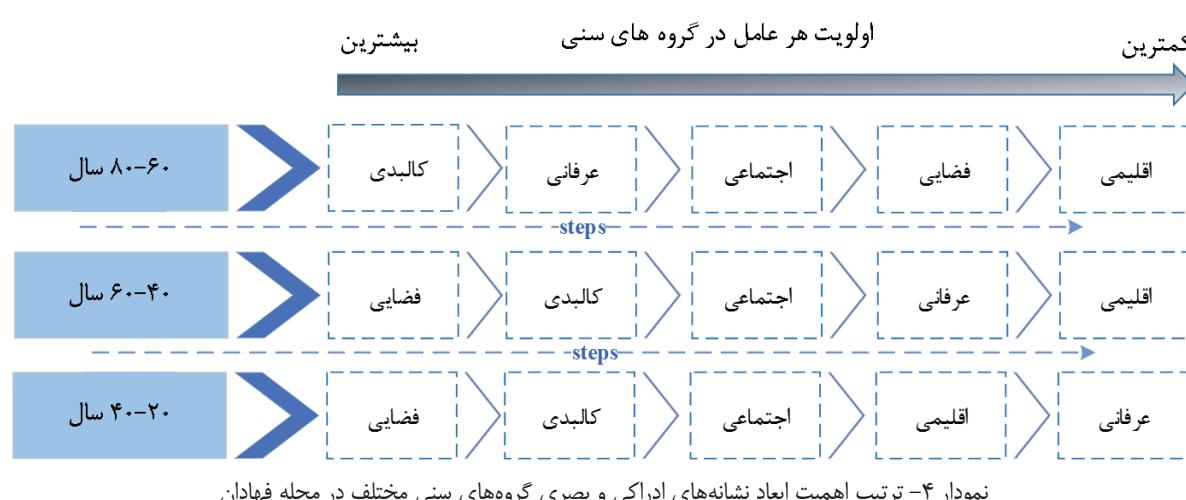
بحث و نتیجه‌گيري

از آنجا که شهر در نگاه نخست منظر و سیما خود را در معرض دید و قضاوت ناظران قرار می‌دهد و مانند نمای ظاهری و پوسته بیرونی، نگاه هر بیننده‌ای را در وهله نخست متوجه خود می‌کند. به منظور حل این مشکل اقدامات اندکی در مطالعات پیشین، به صورت پراکنده و مورده و بدون توجه به بستر موجود صورت گرفته است که به علت نگاه منفعل به عناصر نظام بصری و معنایی موفق به طراحی ساختاری منسجم از نشانه‌های شهری به منظور افزایش هویت بخشی نگردیده است. بی‌توجهی به چارچوب ادراکی مردم، پاسخ‌دهی لازم را به منظور ایجاد محیط‌های هویتمند به وجود نیاورده است. به همین دلیل است که احساس گمشدگی و ترس، ارتباط برقرار نکردن با محیط و کمنگ شدن توانایی مردم در درک محیط و بخصوص موجب ادراک متفاوتی از محیط توسط مردم رویه افزایش نهاده است.

یکی از دلایل تفاوت در ادراک محیط، سن افراد است. بر اساس احساس، فرآیند ادراک شکل می‌گیرد و انسان در فرآیند رشد احساس و به تبع آن نیازهای متفاوتی دارد. یک طراحی مخاطب محور برای نشانه شهری باید همه اقسام را با توانایی‌های گوناگون در نظر بگیرد. در طراحی شهری مخاطب محور، نگاه ما متوجه انسان‌هایی است که در حال رشد و گذار از دوران مختلف زندگی خود هستند؛ بنابراین طراحی برای هریک از گروه‌های سنی مقتضیات خاص خود را می‌طلبد.

امروزه شهرسازان بر این باورند که ادراک محیط نقش بسیار مهمی در سیاست‌گذاری و توسعه طرح‌های شهری ایفا می‌کنند و به نظر می‌رسد که شهرسازان با آگاهی از ادراکات مردم و ترجیحاتی که آن‌ها در محیط‌های مختلف دارند، می‌توانند به خلق محیط‌های با هویت دست بزنند؛ درنتیجه با توجه به آن که طراحی آگاهانه و هدفمند ساختار شهر و به طور خاص ساختار نشانه‌ای شهر در ارتقا کیفیت محیط نقشی غیرقابل انکار دارد و برای داشتن ساخت، نه تنها وجود مجموعه‌ای از عناصر، که وجود یک دستور در نحوه چیدمان آن‌ها لازم است؛ لذا در این پژوهش با هدف بررسی تأثیر نشانه‌های بصری و معنایی که منجر به هویتمندی بافت قدیم شهری بر ادراک متفاوت سه گروه سنی جوان، میان‌سال و کهن‌سال می‌شوند، به شناسایی این عوامل از دیدگاه خبرگان و کاربران فضایی پردازد استفاده گردیده است.

محله‌ی فهادان محله‌ای است که باوجود حفظ بسیاری از معیارهای هویتی خود امروز همچنان وامدار هویت بجا مانده از گذشته است. محله تاریخی فهادان یزد به عنوان قلب گردشگری شهر یزد، الگوی یک شهر ایرانی اسلامی است. نشانه‌های شهری سبب حفظ الگوهای حاکم بر فرهنگ شهر است و بیانگر اسطوره‌های شهری است. نشانه‌هایی که ضمن ارتقا سعادت بصری شهروندان، باعث تقویت هویت شهری گردیده است. نشانه‌ای که علاوه بر توجه به ظرفیت‌هایی که آینده در اختیار آن می‌گذارد نگاهی به فرهنگ غنی گذشته خود دارد و می‌تواند به نیازهای کنونی گروه‌های مختلف سنی پاسخ دهد. یادآور خاطرات جمعی است. کیفیت محیطی را به عنوان یکی از اجزا فضای شهری ارتقا دهد و به جذابیت و خوانایی شهر افزوده است و خود سبب جذب گردشگر می‌شود. درنتیجه در این پژوهش، محله فهادان به عنوان یک بافت غنی با داشتن نشانه‌های بصری و ادراکی گوناگون، ابتدا از جنبه‌های مختلف مورد استخراج و سپس ارزیابی قرار می‌گیرند. نشانه‌های استخراج شده در ابعاد فضایی، کالبدی، عرفانی، اقلیمی و اجتماعی قابل دسته‌بندی هستند. ترتیب دسته‌بندی سهم عاملی برای گروه‌های سنی متفاوت به شرح زیر است:



با توجه به اولویت‌های به دست آمده در هر گروه سنتی، ادراک نشانههای بصری و معنایی در هویت محله فهادان یزد به صورت زیر اتفاق می‌افتد.

جدول ۱۱- نحوه ادراک نشانههای ادراکی و بصری گروههای سنتی مختلف در محله فهادان

گروههای سنتی مختلف		۴۰-۲۰ سال	۶۰-۴۰ سال	۸۰-۶۰ سال
• ایجاد یک مخروط دید غیر گسترد و باریک به آن عصر	• ظاهر روش و شفاف	• مکان آزاد و مشخص	• ایجاد یک مخروط دید غیر گسترد و باریک به آن عصر	• مکان آزاد و مشخص
• رویت پذیر و مشخص بودن از مسیرهای مهم	• رویت پذیر و مشخص بودن از مسیرهای مهم	• احاطه شدن با منظر و چشم انداز	• احاطه شدن با منظر و چشم انداز	• احاطه شدن با منظر و چشم انداز
• استفاده از اصول معماری بومی و اقلیمی در طرابی نشانه شهری	• از طریق ارتفاع مشخص (روینپذیر)	• قرارگیری بر روی محورهای عمده و مهم	• قرارگیری بر روی نقاط مهم تصمیم‌گیری	• قرارگیری بر روی نقاط مهم تصمیم‌گیری
• در ک مصالح نشانه شهری متفاوت و متناوب با محیط	• در ک مصالح نشانه شهری متفاوت و متناوب با محیط	• نقاط مرجع به کمک ترکیبی از اجزا که دارای آشنایی بیشتر، تسلط بصری، رویت پذیری و نمایانی از یک فاصله کالبدی	• شکل پیچیده	• مشخص و اهمیت فرهنگی بیشتر هستند
• با استفاده از تقارن، تناسب و نظم برای درک راحتتر و ایجاد طرح واره سریع‌تر ذهنی	• تناسبات و مقیاس نشانه شود	• پیوستگی در بکار گیری اجزای دارای فرم و شکل در فضا	• تنوع نشانه جایگزین پیچیدگی مفاهیم متعدد	• پیوستگی در بکار گیری اجزای دارای فرم و شکل در فضا
• با استفاده از نشانههای کالبدی منتج از هویت بومی و فرهنگی، برای افزایش غنای ادراکی و منحصر به فرد کردن هر فضا؛	• با به کار گیری فضای اصلی و در بردارنده فعالیت موردنظر با حمایت عملکردی و بافت جهت جذابیت بصری	• مرکزیت دادن آن نسبت به دیگر فضاهای عملکرد و هویت مکان	• ارتباط موضوع نشانه شهری با عملکرد و هویت مکان	• با به کار گیری فضای اصلی و در بردارنده فعالیت موردنظر با حمایت عملکردی و بافت جهت جذابیت بصری
• با استفاده از کفسازی خاص برای کمک به گرس فضای راحت‌تر و افزایش کیفیت انتخاب مسیر؛	• تقویت پیوستگی عناصر شاخص از طریق همبושانی عناصر شاخص در طول محورهای با هم پیوندی زیاد	• رعایت سلسه‌مراتب حضور	• رعایت سلسه‌مراتب حضور	• تقویت پیوستگی عناصر شاخص از طریق همبوشانی عناصر شاخص در طول محورهای با هم پیوندی زیاد
• تعریف مناسب هر فضا متناسب با تمامی گروههای سنتی	• در طول حرکت در محورهای مجاور آن	• رویت پذیری نشانههای شاخص	• رویت پذیری نشانههای شاخص	• در طول حرکت در محورهای مجاور آن
• ایجاد مبملان منطبق بر این امر و همانگ با محیط پیرامونی				

با اینکه محله فهادان یزد دارای هویت محیطی از نظر همه گروههای سنتی است، اما دارای ضعف‌هایی نیز می‌باشد که باید در برنامه‌ریزی‌های آتی برای این محله مدنظر مسئولین قرار گیرد. از جمله ضعف‌های این محدوده می‌توان به کاهش توجه به خط آسمان و هم‌خوانی بین ساخت و سازهای جدید اشاره کرد. لازم به ذکر است از آنجاکه پیش‌تر تحقیقاتی در زمینه ادراک هویت بافت تاریخی توسط گروههای سنتی مختلف از طریق نشانه‌های بصری و معنایی در ایران و جهان صورت نگرفته است، امکان مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها وجود نداشته و لذا بهتر است برای اطمینان از نتایج به دست آمده، موضوع پژوهش را در سایر محلات با ویژگی‌های مختلف جغرافیایی، کالبدی-فضایی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و غیره مورد بررسی قرار گیرد.

برای طراحی محیطی منطبق بر نشانه‌های ادراکی و بصری در بردارنده هویت برای برابری گروههای سنتی مختلف راهبردهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- استفاده از فرم‌های ساده در ساخت و سازهای مجاور خانه‌های تاریخی (خانه عرب‌ها و خانه محمودی) جهت افزایش تأکید کالبدی بر این عناصر،

- ثبت بقعه دوازده امام در محله فهادان یزد در ادراک و حافظه جمعی مردم به کمک تعریف مکان‌هایی جهت وقوع اتفاقات فرهنگی و انعطاف‌پذیر،

- حفظ دید به بقعه دوازده امام در محله فهادان یزد به واسطه کنترل ضوابط ساخت و ساز در این پهنه،

- تعریف فعالیت‌های همگانی و همه‌شمول در هتل موزه فهادان جهت افزایش حضور گروه‌های سنی متفاوت در این مکان‌ها و افزایش نقش عملکردی،
- تعریف ورودی و فضاسازی چشم‌نواز در مجاورت زندان اسکندر جهت تأکید بیشتر بر این عناصر،
- استفاده از یک ریتم تکرارشونده در دو سمت ورودی و خروجی محله فهادان برجهت تقویت هویت بصری و خوانایی فضاء،
- استفاده از نورپردازی خاص در این بناهای تاریخی محله جهت افزایش رؤیت پذیری آن‌ها در شب و تأکید بصری بر آن‌ها،

پی‌نوشت‌ها

Lynch	.۱
Amos Rapoport	.۲
Jon Lang	.۳
Christian Norberg-Schulz	.۴
Ed White	.۵
Edward Relph	.۶
Donald Appleyard	.۷
Gordon Cullen	.۸
Charles – Augustin de Coulomb	.۹
Riitta Krpela	.۱۰
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	.۱۱
Bartlett's Test of Sphericity	.۱۲
Principal Component Analysis	.۱۳
Explained Variance Checking	.۱۴
Eigenvalues	.۱۵
Rotated Component Matrix Counting	.۱۶
dVarimax	.۱۷

منابع

- امیری خوشکار وندانی، س. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم شناختی نشانه و رمزگان در معماری و شهرسازی با تأکید بر معماری و شهر اسلامی، مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۴۴۴ - ۴۲۳.
- انصاری، م، صادقی، ع، احمدی، ف، حقیقت‌بین، م. (۱۳۸۷). هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری، آینه خیال (علمی - ترویجی)، شماره ۱۱، صص ۹۳ - ۱۰۰.
- ایزدپناهی، پ. (۱۳۹۵). مقایسه و بررسی ایدئولوژیک نشانه‌های شهری بوشهر پیش و پس از ورود مدرنیته به شهر، مطالعات هنر و معماری، شماره ۵ و ۴ (پیاپی ۱۲ و ۱۱)، صص ۵۲ - ۴۰.
- پورجعفر، م، علوی بال‌المعنی، م. (۱۳۹۱). ویدئو اکولوژی: بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری، انتشارات آرمان شهر، تهران.
- پورجعفر، م، منتظرالحجج، م. (۱۳۸۹). نشانه‌های شهری، تعاریف، گونه‌شناسی، مکان‌یابی برنامه‌ریزی و طراحی، انتشارات طحان / هلله، تهران.
- پورزرگر، م. (۱۳۹۰). خانه، سنت و بازنده سازی محله جوباره در اصفهان، هویت شهر، شماره نهم، سال پنجم، پائیز و زمستان، صص ۱۱۷ - ۱۰۵.
- حمجانی، ی، بایزیدی، ق، سحابی، ج. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی، باغ نظر، شماره ۵۷، ۶۳ - ۴۵.
- زال‌نژاد، ک، دلیری، ا. س، ایرانی، ش. (۱۳۹۲). از نمادهای شهری تا نمادهای شهری (تحلیلی بر نقش و جایگاه نمادهای شهری در هویت شهر)، فصلنامه بن، شماره ۱، ۵۴ - ۴۲.
- دولابی، پ، شاعری، ز، حاجب‌زاده، ا. (۱۳۹۴). بازخوانی آرایه‌های نظام بصری در بافت تاریخی بوشهر با تأکید بر رویکرد ذهنی، پژوهش‌های منظر شهری، شماره ۴، ۴۷ - ۴۵.

- Shiriyevian, I. (1397). بازطراحی ساخت کالبد مجموعه تاریخی شهر یزد با تأکید بر تأثیر الگوی ساخت امنیت بر آن (نمونه پژوهی: سوپریلوک محله فهادان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- شهابیان، پ، گلی‌پور، م. (1396). مدیریت بصری شهر با تأکید بر نمایه‌های ساختمان، پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- Sholtss, K. (1394). معنا در معماری غرب، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، فرهنگستان هنر، تهران.
- ظهوریان، م. (1395). بررسی نقوش نمادین و نشانه‌های بصری در معماری شاخص ایران (از عیلام تا پایان امپراتوری ساسانی) با رویکرد معناشناسی، پایان نامه دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- عامری سیاهویی، ح. ر، احمدی سرخونی، ف، ساییانی، ب. (1396). بررسی عملکرد نشانه‌های شهری بر درک مردم از محیط شهری (مطالعه موردی: شهر بندرب Abbas)، کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز.
- قشقایی، ر، موحد، خ، مضطربزاده، ح. (1397). تدوین معیارهای طراحی منظر شهری در راستای بر انگیزش حس تعلق به مکان، مدیریت شهری، شماره ۵۰، ۴۶۰ - ۴۳۵.
- کارآموز، ا. (1393). ارائه مدل مسکن بومی شهر یزد (نمونه موردی: محله فهادان و محله قاسم‌آباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- کاظمی، ع، بهزادفر، م. (1392). بازشناسی نظام معانی محیطی در محیط‌های تاریخ با تأکید بر تحولات اجتماعی مخاطبان (مطالعه موردی: محله صیقلان رشت)، مطالعات شهری، شماره ۶، ۸۷ - ۷۵.
- کالن، گ. (1390). گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کامورسلمانی، آ، حناجی، سی. (1394). بررسی تأثیر عوامل بصری فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهر وندان، هویت شهر، شماره ۲۴ - ۶۵.
- کلالی، پ، مدیری، آ. (1391). تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل‌گیری حس مکان، هنرهای زیبا، شماره ۵۰، ۵۲ - ۴۳.
- کوهی‌فرد، ا. (1397). هویت در معماری ایرانی، انتشارات نگاه بوستان، تهران.
- لاری پور، ن، دادور، ا. (1398). تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در مسجد و کیل شیراز، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۲، ۹۷ - ۷۰.
- لینچ، ک. (1395). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماجدی، ح، سعیده زرآبادی، ز. (1389). جستاری در نشانه‌شناسی شهری، آرمان شهر، شماره ۴، ۵۶ - ۴۹.
- محمدحسنی، ا، طغایی، ا، میرغلامی، م. (1395). تحلیل گونه‌شناسانه عوامل مؤثر بر خوانایی نشانه‌های شهری (مطالعه موردی: خیابان ولی‌عصر (ع) تهران (حدوده میدان ونک تا میدان تجریش)، هویت شهر، شماره ۲۵، ۷۴ - ۶۱).
- موذنی، م. ر. (1394). طراحی باغ سه فصل کویر با رویکرد ذهنیت‌گرایی به داستان‌های اساطیری ایران در محله فهادان یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- مراد زاده، ز. (1398). دستیابی به فضای مطلوب شهری با تأکید بر نقش مؤلفه معنا در شهر با محوریت ادراک محیطی شهر وندان (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری تبریز)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز.
- ملکی، م. (1396). معنا در معماری، انتشارات رویان پژوه، تهران.
- موسوی سروینه باغی، ا، صادقی، ع. (1395). ارائه فرآیند طراحی جداره‌های شهری در جهت ارتقای کیفیت‌های بصری زیبایی‌شناسی منظر شهری (نمونه موردی: خیابان احمدآباد مشهد)، مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۱۱۴ - ۹۹.
- نرخ آبادی فام، م. (1395). ارزیابی معناشناسنخی نشانه‌های شهری بر مبنای هویت اسلامی (نمونه موردی: سیمای محلات سنتی و معاصر تبریز)، پایان نامه دکتری معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل.
- نصر، ط. (1396). جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز)، هویت شهر، شماره ۲۹، صص ۱۷ - ۲۸.
- نصر، ط، ماجدی، ح. (1392). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. آرمان شهر (علمی - پژوهشی)، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۲۷۷ - ۲۶۹.

وحدت، س.، رضایی‌راد، ه. (۱۳۹۶). ارتقاء ارزش‌های بصری در کریدورهای دید شهری با QSAM (نمونه موردی : میدان انقلاب زنجان)، آمیش جغرافیاپی فضاء، شماره ۲۳، ۸۶-۸۹.

- Azma, S., & Katanchi, R. (2017). The Effect of Landscaping and Building Facades on Perceptual-Behavioral Features of Citizens, *Journal of History Culture and Art Research*, 6(3), 264 – 281.
- Alkan Bala, H. (2016). Landmarks in urban space as signs. *Current Urban Studies*, 4(04), 409 – 429.
- Appleyard, D. (2002). Streets Can Kill Cities: Third World Beware (N. Tavalayi Trans). *ABADI*, 39, 73-83.
- Caduff, D., & Timpf, S. (2008). On the Assessment of Landmark Salience for Human Navigation, *Cognitive Processing*, 9, 249-267.
- Eco, M. (2018). Function and Sign: The Semiotics of Architecture. Research Publisher Partnership. 173-186.
- Frank, E.A. (2006). Many Pathways from Land use to Health, *Journal of the American Planning Association*, 7.
- Ghafari, A., Falamaki, M., & Habib, F. (2015). Evaluation the Theories of Semiotics Approach in the Reading of Architecture and Urbanism, *International Journal of Review in Life Sciences*, 5(4), 642 – 649.
- Ganitseva, J., & Coors, V. (2010). Automatic landmark detection for 3D urban models. In 5th International Conference on 3D GeoInformation, Berlin, Germany.
- Kalin, A., & Yilmaz, D. (2012). A Study on Visibility Analysis of Urban Landmarks, *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 29-241-271.
- Kamrani, A. & Behzadfar, M. (2016). The Meaning of Place, A Constant or Changing Quality? Lynch, Rapoport and Semiotics View points, *Space Ontology International Journal*, 5 (2), 43 – 47.
- Korpela, R. (1998). Galacto – Oligosaccharides Relieva Constipation in Elderly People, 42(6): 227 – 319.
- Kumer, R. (2009). *Walkability of Neighborhoods: A Critical Analysis of Zoning Codes*, Master of Community Planning, University of Cincinnati.
- Norberg – Schulz, C. (2017). Meaning in Western Architecture. (Semantic Conservation, Sense of Place Conservation, Physical Conservation).
- Pouzeshgar, M. R. (2014). Home, Tradition and Regeneration of Joybareh Neighborhood of Isfahan. PHD Thesis Restoration, Polytechnic University of Milan, Italy.
- Richter, K. F., & Winter, S. (2014). Introduction: What Landmarks Are, and Why They Are Important. In Landmarks (pp. 1 - 25). Springer, Cham
- Stedman, R., Beckley, T. (2004). A Picture and Photography to Understand Attachment to High Amenity Places, *Journal of Leisure Research*.
- Saeideh Zarabadi, Z. S. Imani Alvecheh, H. & Aghamahdi Sarraf, H. (2013). Structural Analysis of the City Semiology (Case study: Yazd City), *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3(3), 53-73.
- Samavatekbatan, A., Gholami, S., & Karimimoshaver, M. (2016). Assessing the Visual Impact of Physical Features of Tall Buildings: Height, Top, Color, *Environmental Impact Assessment Review*, 57, 53 – 62.
- Van Lenthe F. J. (2016). Mackenbush in Physical inactivity: The Role of Neighborhood Attractiveness, *Proximity to Local Facilities and Safety in the Netherlands*, Soc. Med, 60: 763 – 775.
- Zhang, X., Li, Q. Q., Fang, Z. X., Lu, S. W., & Shaw, S. L. (2014). An assessment method for landmark recognition time in real scenes. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 206 – 217.

Investigating the effect of light and color with the approach of emotional security in Qajar houses of Tabriz

Seyyedeh Azita Majdzadeh, PhD Student in Architecture, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Reza Mirzaei*, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Seyed Mehdi Madahi, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Mohammad Reza Mabhoot, Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Khavaran Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.

Ahmad Heidari, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Received: 2021/11/1

Accepted: 2022/6/6

Introduction: Identity of artificial environments is always derived from human components and behavioral sciences, and this identity is more valuable in neighborhoods that have a history and historical context, because of the multiple uses of semantic and identity signs attributed to culture, which are used in different age groups. Signs can have a different appearance from their point of view. Therefore, in this research, to investigate the impact of visual and semantic signs that lead to the identity of the old urban context on the different perceptions of three age groups, young, middle-aged, and old, it has been tried to identify these factors from the point of view of experts and spatial users.

Method: The research method is a qualitative-quantitative combination that is used in the extraction of variables from semi-structured interviews with coding and data reduction technique in ATLAS.TI software and in a small part of JMP software to analyze inferential statistics and correlation of age groups and plot curve fitting is used

Results: The results show that in the age groups of 60-40 and 40-20, attention to perceptual and visual signs in the same space is almost equal, and the correlation coefficient of 0.76 shows this. It can be said that for the design of perceptual and visual signs in space, age groups of 20-60 years old think in the same way, and the results of one group can explain the behavior of another group, but this is the case in the age group of 60-80 years old. It does not exist, and it is necessary to examine the opinions of this age group separately before designing an environment with these characteristics; but according to the graphs, the perceptual and visual signs in the age groups of 60-40 and 80-60 have a higher correlation. The way of looking at the signs in the age groups of 60-80 has a difference and over time, this difference is more. It is also possible, according to the determination coefficients obtained, it confirms that special attention should be paid to this issue in designs based on perceptual and visual signs.

Conclusion: In the conclusion of this research, the Fahadan neighborhood as a rich context with various visual and perceptual signs is first extracted from different aspects and then evaluated. We can categorize the extracted signs into spatial, physical, mystical, climatic, and social dimensions.